

جهانگیری: عملکرد دولت کنونی در نفت و گاز با هیچ دورهای قابل مقایسه نیست

مردم: بنزین! عملکرد بنزین روز از قلم انداختین!

۱۸ دستگاه اجرایی؛ متولی ایجاد هوای پاک / انتخاب
دارکوب: آگه خود همین ۱۸ دستگاه رو
تعطیل کنن، هوا بهتر نمیشه؟!

سهام هر ایرانی از بودجه سال آینده ۵/۴ میلیون تومان است
هر ایرانی: نمی دونیم با این پول خونه بخریم؟
ماشین بخریم؟ از دواچ کنیم؟ بچه دار بشیم؟
کدومشو انجام بدیم؟!

سازمان محیط زیست: بوی نامطبوع تهران از زباله و گوگرد است
شهروندان: بعد از چند ماه معلوم شد بوی چیه،
لا بد چند سال هم طول می کشه تا بوش بره!

معاون شهرداری تهران: در حال برداشتن موانع ساخت
خانه های ۴۰ تا ۲۵ متر هستیم

دارکوب: دیگه ۲۵ متر چی هست که مانع سر
راهش باشه؟ هر جا گیر تون اومد بسازین!

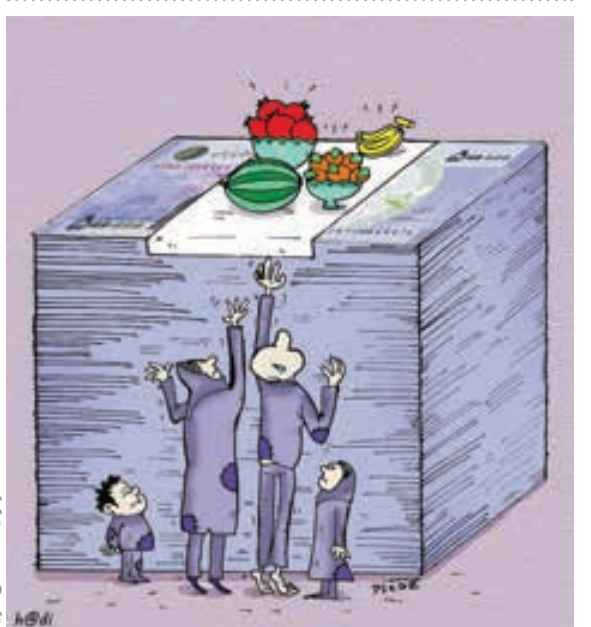
استاندار خوزستان به عنوان استاندار برگزیده پژوهش و
فناوری کشور انتخاب شد

مردم خوزستان: کاش کمی از این پژوهش و
فناوری هم به کمک ما می اومد این جوری
زیر آب نمی رفتیم!

دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر: فعلا گزارشی از قاچاق
مواد مخدر با استفاده از کیک های آلوده نداشته ایم

قاچاقچیان: خوب شد گفتین!

بدون شرح!



کار نویسند: علیرضا نوری

شب چله در کوچه های شهر



کار نویسند: علیرضا نوری

توئیست روز

بیاروی آلودگی هوا، نمی تونیم دیگه نفس بکشیم!
رمز دوم پویا به جوریه که موقع خریدن بسته اینترنت تو خیابون نزدیک بود بر م زبر ماشین که ۶۰ ثانیه اش تموم نشده!
خیلی گوشی مون حافظه داره که باید اپلیکیشن مربوط به رمز یک بار مصرف هر بانکی رو هم نصب کنیم!
رقم دار و خونه می گم به بسته قرص سرما خوردگی بدید باه بسته آمو کسی سیلین! ۱۰ تا کیک دادو ۱۰ تا کلوچه!
بعضی مشتری ها میان در مغازه می پرسن چرا سبزی خرد کن خارجی نداریم؟ آخه کدوم خارجی میاد ۶۰ کیلو سبزی بخره، تمیز کنه، سرخ کنه، واسه دوسالش بذاره فریزر، که بخواد تولیدش کنه؟! یا شهر به بگیرین یا امتحان، دوتا با هم اصلا منطقی نیست!
باشه حالا به کاریش می کنیم: یعنی: «خیالت راحت هیچ کاریش نمیشه کرد»!
دم مورچه گرم تایه چی پیدا می کنه، میره رقیقش رو هم میره. نه مثل آدماتایه چی پیدا می کنن همه رو گم می کنن!
تو این اوضاع، قاعدتا بعد از مصرع «توشب یلدای منی» باید دست به آجیل زنی «بیادا» الان که ما نشستیم دوغمون رو می نوشیم، بچه های اینستا باه فکر این چطور می هندونه و آناتاس رو به شکل جک و جونور در دست کنن و با لیخند لمینتی کنار میزنند یادا عکس بگیرن!
اصولا ما شب چله نه فال حافظ می گیریم، نه قصه میگیم برای هم، نه اصلا حرف می زنیم با هم. ما تا سر حد مرگ به دستگاه گوارش مون فشار میاریم بعد میریم می خوییم و خیلی هم خوشحالیم از کرده خودمون!
هیچ وقت امید تون رو از دست ندید، همه چی امکان پذیره. کی فکر شو می کرد تخمه آفتابگردون جای پسته و آجیل رو تو سفره شب یلدا بگیره؟! البته تو خونه ما شلغم هم جای انار رو گرفته!
کاش مشکل استرما چونوی حل بشه بلکه یک کم عزم ملی

با خانمان

یلدا که چی؟
زهر افرینیا طنز پرداز
چون که می گن «پاییز بهاری است که عاشق شده است» و ما به انتهای رسیدیم، توقع داریم زمستان هم تابستانی باشه که بعد پاییز به یارش رسیده و بر نامه از دواچ چیدن، یا کات کرده. در هر صورت باید تکلیف شون شب یلدا مشخص بشه. بالاخره برنامه چیه؟ چرا تا می ریم توی زمستون همه چی به تنظیمات کار خونه بر می گرده؟ عشق و عاشقی و اینا که موضوع اصلی این قسمته هم باید بره تا سال دیگه که دوباره بهار صلاح بدونه که آیا عاشق بشه؟ آیا عاشق نشده؟ به خاطر همین این پاییز لحظه آخر شب یلدا رو علم کرد که حواس ما با این پیام های «در شب یلدا یک دقیقه بیشتر دوست دارم» و «یک دقیقه بیشتر با تو بودن را جشن می گیرم» پرت کرد که حتی اساس علمی نداره و عملا هیچ فرقی با روزهای عادی نمی کنه. با همین بازی ها فروشنده ها هر چی لباس سبز و قرمز دارن، قالب می کنن به ملت که رنگ هندونه بشن و کلا به شب در سال به در دشون بخوره. (البته دیده شده کریمس هم همون لباس رو استفاده کردن که به خاطر فشار های اقتصادی، و گرنه توی دوتا مهمونی مناسبتی پشت سر هم قاعدتا نمی شه به لباس پوشید!) اصلا این عشق، نقطه ضعف انسانه. من خودم شب یلدا برام هیچ ماهیت منحصر به فردی نداره، مگه این که تازه عروس باشم و بخوان برام شب چله ای، آجیل و پشمک و میوه و کادو بیا رن. اون موقع توی همه گروه ها استیکر یلدا ای می فرستم، ست قرمز و سبزی می پوشم و گوشیم هم دم در مهمونی می دارم توی سید. و گرنه به من چه که امشب خورشید یک دقیقه کمتر کار می کنه؟ باید خورشید خوشحال باشه که رفته مرخصی. این منم که ظرف های شام مهمونش رو می شورم!

شعر روز
تبریک های شب چلگی!
شاعران دارکوب ضمن تبریک پیشاپیش شب یلدا، شعرهای تبریکی برای شما سرودن تا دیگه هی پیام یلدا یعنی... رو برای بقیه نفرستین!
سلام از کلیه مردنمدمال که دارن نسبتی با رستم زال امیدوارم زیارانه اسمال شب چله شوی قیراق و خوشحال! یارمحمد خدنگی
من مخلص هستم و ضمنا دوست دارم وقت انار و تخمه خوردن دوست دارم یک امشبیه از گرانیه ها نگو لطفا بی تخمه و آجیل هم من دوست دارم! مجید رحمانی صانع
بر لبت همواره باشد نوشند زندگی در کام تو ماند کند آرزویت را ببینی مثل روز چون شب یلدا بود عمرت بلند! عبدا...مقدمی
بخور آجیل و میوه، شام و دمنوش بگیر مامان و بابا رو در آغوش بیایک شب همه خوشحال (ا) باشیم شب چله غمناک کن فراموش! امیرحسین خوشحال
عجب رسم قدیمی و اصلی کنار هم، همه از پیر و کودک انار دونه قاچ هندوانه شب یلدا ی تان باشد مبارک! سحر بهجو
شب یلدا کنار هم نشینید نه صدمتر آن طرف تر توی گوشه تمام سال طبق مد گذشت و سه ساعت توی فکری چی پوشی؟! بهار نژاد
انار، هندونه، گرمک، نداشتی تون سنگ سفره هات فقط پهن باشه، بزرگ باشه یا کوچک فرقی نداره رفیق، دلت باید خوش باشه بخندو کیف و حال کن، یلدات کلی مبارک! شیما آذنی عشری

کله چوکو
آق کمال مهمانی شب چله می رود
آق کمال! همه کاره و هیچ کاره
با کاملیا خانم رفتم خانه آقام دیدم وسط حال شراره و کاغذ رنگی و آبرنگ و خرت و پرتیه که پخش و پلایه. مدرسه بر ازم جمال جشن شب چلگی برایشان گذاشته بودن. عیال پرسید: «برنامه شون چی هست؟» آجیل گفت: «قراره از هر خانواده پول بگیرن و خوراکی بخرن و بچه ها هم باید با تم شب چله بیان.» عیال گفت: «کاش این ریخت و پاش هارو نمی کردن... یگه گفت: «جمال اشکال نداره فردا پیام مدرسه تون با معلمت حرف بزنم؟» بر ازم که داشت شتری هندوانه ره منپوندتو دهنش گفت: «خایلی هم خوبه، بین بین!» «مویم فکری که باز چی کاره نشون به او نشون که عیال رفته بود مدرسه و معلم و مدیر شانه رضی کرده بود تا به جای ای کارا، یگ کارای دیگه بکنن.
شب جشن شان شد و رفتم مدرسه، دیدم او چی بساطیه. وسط سالن شان میز چیده بودن و روش پر از خوراکی و بسته و کادو و اینا. به عیال گفتم جریان چیه؟ گفت: «باهشون صحبت کردم، قرار شد هر چی پول جمع می کنن، میوه و خوربا با بخرن و به هر مهمون یه انار بدن و بقیه اش رو هم بدن خیره تا خانواده هایی که سال به سال رنگ شادی نمی بینن هم جشن بگیرن.»
همو جور که داشتم قرون دست و پنجه و فکرش می رفتم، دیدم جمال مان آمد روی صحنه و در حالی که داشت از دهنش دانه انار مریخت شروع کرد به خواندن غلط غلو ط شعر صد دانه یا قوت. یعنی جوری شد که همه حضار زمین ره گاز می گرفتن از خنده و میام لبع عرق از خجالت! اییم از شب چلگی ما!

صفحه ۲ و زندگی سلام را بخوانید
کاناپه
بستای برای آخر هفته ویژه آن ها که مطالعه دوست دارند اما وقت ندارند



کار نویسند: محمد بهادری